

## شیخات רעים گفتگوی دوستانه

## בְּעִברִית קָلָה

- (۱)** *שלום קֹדֶם יָקִירִי מֵה שְׁלֹמֹמֶךָ? מַה שְׁלֹום מִשְׁפְּחַתְךָ? לֹא רֹאִים אֶתְךָ בְּגָרָא שְׁאַינְךָ חֹשֵׁב עַלִּי בָּלֶל, גָּכוֹן?*

**(۲)** *سلام داود عزیزم حالت چطوره؟ خانواده چطورند؟ مثل اینکه تو اصلاً به فکر من نیستی، درسته؟*

**(۳)** *שלום לך נחמים ה'יכוך, ברוך הוא" אני בריא וגם כל בני המספרה בריאים ושמחים.*

**(۴)** *سلام به تو رحيم گرامي بحمد الله من و تمام اهل خانواده سلامت و شاد هستيم.*

**(۵)** *אין דבר שאתת לא חושב עלי אבל אני מוקעה שתחמיד תהיה בריא ומצלה אפיקלו אם לא תחשב עלי.*

**(۶)** *اهميته نداره که تو به فکر من نیستي ولی من اميدوارم که همیشه سلامت و موفق باشی حتى اگر هم درباره من فکر نکنی.*

**(۷)** *מה אתה אומר? היה בטוח שאני אותו היחיד הקודם והאמתי שלך ואי אפשר שאשכח אותך,*

**(۸)** *چی میگی؟ مطمئن باش که من همان دوست قدیمی و واقعی تو هستم و غیرممکن است که تو را فراموش کنم.*

**(۹)** *לְרֹעַ הַמּוֹלֵד שְׁלִי לֹא יַכְלָתִי לְהַפְּגִשׁ עַמְּךָ הַיִתִי עֲסִיק מַאֲד בְּכֶמֶה עֲסָקִים וְלֹא היה לי פָנָאי לְהַפְּגִשׁ אֶתְךָ אֶפיקלו.*

**(۱۰)** *از کم سعادتی من بوده که نتوانستم تو را ملاقات کنم، سخت مشغول چند معامله بودم حتی من فرصت نکردهام برای پدر و مادرم نامه بنویسم یا با آنها تماس بگیرم.*

**(۱۱)** *טוב! אמר לי מה אתה עוזשה בימים אלו? למה נהנית כל כך רזה? האם יש לך סבל רב? אם עבוריך הנוכחות היא קשחה, בחר לך עבורה אחרת.*

**(۱۲)** *خوب! به من بگو اين روزها چکار مىکنى؟ چرا اينقدر لاغر شدهاي؟ آيا زحمتت خيليه؟ اگر کار فعليت سخته، کار ديگهای برای خودت انتخاب کن.*

2) לא חברי האהוב, עבודתי איננה קשיה אני מוכך כליל חשמלי כמו מקרר, מגהץ, קומקום, תנור, מונה חשמלי, כירה, מכונת גלוח, מטחנה חשמלית וכדומה.

۷) نه دوست محبوبم کارم مشکل نیست من فروشنده لوازم برقی مثل یخچال، اطو، فوری، بخاری، کنتور برقی، اجاق، ماشین صورت تراشی، آسیاب برقی و امثال آنها هستند.

**ח)** סבת הרzon שלוי היומי רחוק מהמשפחה.

۸) علت لاغری من دور بودن از خانواده می‌باشد.

ט) באיזה עיר גרים הוריק? האם מושצים בני המשפחה מעובדותם?

۹) در کدام شهر پدر و مادرت (والدینت) ساکن هستند؟ آیا اهل فامیل از کارشان راضی هستند؟

ו) הורי נמצאים בשיראון, אבי הוא צורף ברוך ה' הוא מרווח מעבודתו.

(۱۰) والدین من در شیب از هستند بدرم زرگر می‌باشد و بحمد الله او از کارش راضی است.

**יא)** אחֵי הַקְטָן בְּהַזָּעֵד הוּא לֹמֶד בְּאוֹנוֹבִרְסִיטָה בְּפָקוֹלֶתָה לְחַקְלָאות וְגַם אֲחוֹתִי שְׁרוֹגָה הִיא הַתְּחִתָּנָה לִפְנֵי פָמָה חֲדָשִׁים עִם בָּחָור יִזְדִּי.

۱۱) برادر کوچکم بهزاد، او در دانشگاه در دانشکده کشاورزی تحصیل می‌کند، خواهرم شارونا هم چند ماه قبل با یک جوان بیزدی ازدواج کرد.

**יב)** הָרוֹד ! כַּמָּה יְלִדִים יָשֶׁן לְכָ? וְכַמָּה נְפָשׁוֹת בְּמַשְׁפַחַת ? וְמָה שְׁמָם ?

۱۲) داودا! حند تا بجه داري؟ خانوادهات حند نفرند؟ و اسم آنها حيست؟

**יג)** יש לי שלשה ילדים שניים ובת אחת ומשפחתנו בת חמיש נפשות, שם בני הבכור מהריךד והשניה משה ושם בת הצעירה מהאנז.

(۱۳) سه اولاد دارم دو پسر و یک دختر خانواده ما شامل ۵ نفر است اسم پسر ارشدم (اولزادم) مهرداد و دومی مشه و اسم دختر که حکم مهناز است.

**יד')** מה עושים הילדיים? ומה העסק שלהם?

۱۴) بچه‌ها چکار می‌کنند؟ و شغل آنها چیه؟

**טו**) מהריךאר הוא רופא שניים, משה הוא עוסק עם אביו בצדירות בעיר שיראו גם מהנאו הצעה נכנסה לאוניברסיטה.

۱۵) مهرداد دندانپزشک و مشه در شیراز با پدرم مشغول زرگری است و مهناز هم امسال وارد دانشگاه شده.

**טז)** רחמים החביב ספר לי גם אתה קצת על מצבך וחיה.

(۱۶) رحیم جان (محبوب)، تو هم کمی درباره اوضاع زندگیت برایم تعریف کن.

יז.) בסדר חביבי אספר לד בקצף בזירה מפתח.

<sup>(۱۷)</sup> به چشم عزیزم به طور خلاصه و فهرستوار پرایت تعریف می‌کنم:

יח) אני כבר פנסיוןר מצד החינוך והתרבות מקבל משכורת חדשה בערך שלוש מאות אלף תומאן.

(۱۸) من فعلًا از طرف اداره آموزش و بروزش، بازنیسته هستم و حقوق ماهیانه در حدود سیصد هزار تومان دریافت می‌کنم.

יט) והmeshברת בغالל היקרות אינה מכפה את ההוצאות.

<sup>(۱۹)</sup> و به علت گرانی، (تورم) این حقوق، جواہگوی مخارج نیست.

**כ)** יש לי ספריה-ה בבית מלא ספרים שונים ומעוניינים, רב הזמן אני מעין, ברוך השם יש לי חשך לעין.

۲۰) در منزل کتابخانه‌ای دارم پر از کتاب‌های گوناگون و جالب بیشتر اوقات مطالعه می‌کنم خدا را شکر علاقه مفرطی برای مطالعه کردن دارم.

**כא)** משפחינו ביה שש נפשות, שני בניים ושתיהן בנותם כלם נשואים יש לי מלהם שטונה נבדים.

<sup>۲۱</sup>) خانه‌اده ما شاما، ۶ نفر است، ۲ سس و ۲ دخته، تمامشان ازدواج کدهاند و از آنها ۸ نوه دارم.

**כב)** ועוד פָעִים פָעִים כַתְבָתִי וּבְעֵזֶרֶת הַשֵם עוֹד אֲכַתֵּב מְאֻמְרִים דָתִי בְשִׁפָה עַבְרִית וּפְרִסִית "לִירְחֹזֶן בִּינָה" שִׁיוֹצָא לְאוֹר עַל יְדֵי מִעֲרָכָת שֶׁל וְעַד יְהוּדִי טַהֲרוֹן.

(۲۲) و دیگه، بارها برای مجله «ماهنامه بینا» که توسط هیئت تحریریه انجمن کلیمیان تهران منتشر میشود مقاله‌های مذهبی به زبان عربی و فارسی نوشته‌ام و انشالله (با کمک خدا) باز هم خواهم نوشت.

**כג)** אַתָּה יְכֹל לִקְרָא בָּו מְאַמְרִים מָעוֹלִים וּמְעֻנְגִים כְּמוֹ חַיֵּם וּנוֹשָׁאים יְהוּדִים שׁוֹגִים יָדִיעות עַל קִיהוּדִים בעולם.

۲۳) تو می توانی در این (مجله) مقاله های مفید و جالب مثل مسائل (موضوع) مختلف زندگی یهودی ها و اطلاعات درباره یهودیان جهان بخوانی.

**כד)** ועוד מאמרים על עניני מדע, חנוך, מוסר, וחברה ועניני אקטואליים ועל ידי הזמן ביחוד מאמר ראשי של אדון עורך ראשי שכל הקורא מהעוג ומהפלא

(۲۴) و دیگه (تو می‌توانی در این مجله) درباره مسائل علمی، تربیتی و فرهنگی، اخلاق و اجتماع و مطالبی در مسائل روز تحولات و رویدادهای زمان (یخوانی). به خصوص سر مقاله‌ی آقای سردییر که هر خواننده‌ای لذت می‌برد و تعجب می‌کند.

**כח)** קוד! פבואה מחר אלינו הביתה ואספר לך יותר מזה, אהבה לך.

**۲۵**) داوید! فردا بیا منزل نزد ما تا پرایت پیشتر از این تعریف کنم، منتظرت خواهم بود.

**כ' רחמים ה'יקיר!** אני מצטער מאד שלא יכול להיות מחר בטהראן, כבר אנחנו עומדים לנסוע לשיראו לראותה המשפחה לראש השנה.

**۲۶) رحیم عزیز! من خیلی متأسفم که نمی‌توانم فردا در تهران باشم چون ما به مناسبت سال نو (اول سال) در حال مسافرت به شیراز برای دیدار خانواده هستیم.**

**כד)** אשריך קוד, אני מקווה שתראה את פניהם בשמה, דרישת שלום רבה לכל בני הפסחה לקרים ולידדים ומאהל לכם בריאות, נסעה והצלחה טובה. שלום להתראות, שנה טובה.

۲۷) خوش به حالت داوید، من امیدوارم که آنها را با شادی زیارت کنی. سلامتی، سفر خوش و موفقیت برای همگی شما آرزو می‌کنم. سلام؛ باد به تمام اهل فامیل، خوشنان و دوستان؛ بر سان. خدا حافظ – به امید تجدید دیدار، سال نوه مبارک (باشد).

ابن کفکویه ب مسیب دوچار است فمادنگی، ممدتو نهشته شده است.

## مُلِّيم لغات

لغت	تلفظ	معنى	لغت	تلفظ	معنى	لغت	تلفظ	معنى	لغت
يَقِيرِي	عَزِيزٌ - كَرَامٍ	عَزِيزٌ - يَقِيرِي	بَطْوَح	كَشَارَز - فَلَاح	حَفْلَانِي	حَفْلَانِي	بَطْوَح	مُطْمَئِنٌ - يَقِيرِي	بَاطْوَح
كَنْيِرَه	أَزْ قَرَار مَعْلُومٌ - ظَاهِرًا	كَنْيِرَه	مَذَلٌ	دَانِشْكَدَه	فَاقْوُلْطَا	فَاقْوُلْطَا	مَذَلٌ	شَانِسٌ - اَقْبَال	مَذَلٌ
مُوصَلَحٌ	كَامِيَابٌ - مُوفَقٌ	مُوصَلَحٌ	مَفْتَحٌ	فَهْرَسٌ - كَلِيدٌ	مَفْتَحٌ	فَهْرَسٌ - كَلِيدٌ	رَعٌ	دَوْسَتٌ - هَمْنُوعٌ	رَعٌ
يَادِيد	دَوْسَتٌ - مَحْبُوبٌ	يَادِيد	فَنْسِيُونَر	بَازِنِشِستَه	فَنْسِيُونَر	بَازِنِشِستَه	رَاهِه	لَاغِرٌ - كَمْ حَاصِلٌ	رَاهِه
أَمْتَهِي	وَاقِعِيٌّ - خَالِصٌ	أَمْتَهِي	مَشْكُورٌ	حَقْوَقٌ - اَجْرَت	مَشْكُورٌ	حَقْوَقٌ - اَجْرَت	مَدْعَى	عَلْمِي	مَدْعَى
حَشْمَلِي	بَرْقِيٌّ - الْكَتْرِيكِي	حَشْمَلِي	نَشَوَاءِيم	مَتَاهِلٌ هَسْتَنَدٌ	نَشَوَاءِيم	مَتَاهِلٌ هَسْتَنَدٌ	وَعَدٌ	انْجَمَنٌ - شُورَا	وَعَدٌ
مِقَارِر	يَخْجَال	مِقَارِر	هُوَزَاهٌ	هُوَصَائِنٌ - خَرْجٌ	هُوَزَاهٌ	هُوَصَائِنٌ - خَرْجٌ	بِيَحْوُد	مَخْصُوصاً - بُويْزَه	بِيَحْوُد
مَجَاهِز	أَطْوَ	مَجَاهِز	سَفَرِيهٌ	سِيفِرِيٌّ يَا كَتَابَخَانَه	سَفَرِيهٌ	سِيفِرِيٌّ يَا كَتَابَخَانَه	مَصْطَعِرٌ	مَتَأْسَفَمٌ	مَصْطَعِرٌ
كَوْمِكُوم	قَوْمٌ قَوْمٌ	كَوْمِكُوم	مَعْرِفَةٌ	مَعْرِخِتٌ	مَعْرِفَةٌ	مَعْرِخِتٌ	دِريشا	دَرْخَوَسَتٌ - تَقَاضَا	دِريشا
قَنُور	تَنَورٌ	قَنُور	مَعْمَارٌ	مَعْلَمٌ	مَعْمَارٌ	مَعْلَمٌ	نِسيِعَا	مَسَافَرَتٌ - حَرْكَتٌ	نِسيِعَا
مُونِه	كَنْتُورٌ - شَامَانَه	مُونِه	بَعْزُورَتٌ هَشَمٌ	بَعْزُورَتٌ هَشَمٌ	بَعْزُورَتٌ هَشَمٌ	بَعْزُورَتٌ هَشَمٌ	هَصْلَاحَا	مَوْقِيتٌ - خَوْسِختَى	هَصْلَاحَا
كِيرَا	أَجَاقٌ - فَرْ خُورَاكَبِزِي	كِيرَا	مَعْمَارٌ رَأْشِيٌّ	سِرْمَاقَاه	مَعْمَارٌ رَأْشِيٌّ	سِرْمَاقَاه	أَشْرَخَا	خُوشَا بِه حَالٌ تو	أَشْرَخَا
مَكْونَتَةِ غَلُونَ	مَاسِينِ صُورَتٌ تَراَشٌ	مَكْونَتَةِ غَلُونَ	عُورَكٌ رَأْشِيٌّ	سِرْدِيَيْر	عُورَكٌ رَأْشِيٌّ	عُورَكٌ رَأْشِيٌّ	حِورَا	اجْتِمَاعٌ - شَرْكَتٌ	حِورَا
مَطْحَنَه	أَسِيَابٌ	مَطْحَنَه	يَلْدِي هَزَّنَ	رُوِيدَادَهَاهِي زَمانٌ	يَلْدِي هَزَّنَ	يَلْدِي هَزَّنَ	لَهَتَرَاؤَه	بِه اَمِيد تَجَدِيد دِيدَار	لَهَتَرَاؤَه
صُورِفٌ	زَرْگَر	صُورِفٌ	مَصْطَعِرٌ	مَتَأْسَفَمٌ	مَصْطَعِرٌ	مَصْطَعِرٌ	حِشِيقٌ	مِيلٌ - عَلَاقَه زِيَادٌ	حِشِيقٌ

درس قبلی
درس بعدی